



Sociological Study of the Contexts of Educational Dropout in Border Villages of Sardasht

Saeed Soltani Bahram¹ | Omid Rahmannedhad²

¹. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Literature & Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: s.soltani@urmia.ac.ir

². Department of Sociology, Faculty of Literature & Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

Email: omidrahman61@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 29 August 2025 Received in revised form: 8 October 2025 Accepted: 3 December 2025 Published online: 29 December 2025 Keywords: Border Villages of Sardasht County, Educational Dropout, Structural Poverty, Migration.	This research aims to study the contexts of student academic dropout in border villages of Sardasht County, focusing on the socio-economic characteristics of the region. The secondary objective of the research is to identify the attitudes of students and families towards education and training. This research was conducted with a social interpretive approach and using the grounded theory method. The statistical population of local informants includes students, teachers, and parents in three border villages of Sardasht, including Qaleh-e-Rash, Biyoran, and Darmanabad. The sampling was purposive, and theoretical saturation was achieved after interviewing 24 people aged 15 to 40. By conducting open and axial coding stages, categories such as "poverty and resource depletion", "life instability and unstable strategies", "inefficient platforms" and "human capital crisis and value displacement" were extracted and finally the core code was explained as follows: Migration caused by structural poverty and its intensification through inefficient platforms (economic, institutional, educational) leads to educational decline and human capital decline in border areas. This finding showed that prioritizing immediate incomes (such as labor migration) due to the lack of sustainable productive opportunities has diminished the value of education among families. The instrumental and economic attitude of families towards education, which was formed based on the expectation of employment and income generation but was not realized, has caused students to drop out of school. Educational decline in the border villages of Sardasht is an acute and multifaceted problem that is rooted in socio-economic structural factors, especially the phenomenon of migration, and requires policy interventions that are tailored to the understanding of the local people.

Cite this article: Soltani Bahram, S. & Rahmannedhad, O. (2025). The Intersection of Poverty, Migration and Educational Dropout in Sardasht Border Villages. *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (2):385-403.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.405303.668959>



©Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.405303.668959>

مطالعه جامعه شناختی زمینه‌های افت تحصیلی در روستاهای مرزی سردشت

سعید سلطانی بهرام^۱ | امید رحمن‌نژاد^۲۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: s.soltani@urmia.ac.ir۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: omidrahman61@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این پژوهش با هدف مطالعه زمینه‌های افت تحصیلی دانش‌آموزان در روستاهای مرزی شهرستان سردشت، با تمرکز بر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی حاکم بر منطقه انجام گرفته است. هدف فرعی پژوهش، شناسایی نگرش دانش‌آموزان و خانواده‌ها نسبت به تحصیل و آموزش است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۸	این پژوهش با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. جامعه آماری
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۷/۱۷	مطالعه محلی شامل دانش‌آموزان، معلمان و والدین در سه روستای مرزی سردشت شامل قلعه‌رش، بیوران و درمان‌آباد
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۳	است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند بوده و پس از مصاحبه با ۲۴ نفر از افراد ۱۵ تا ۴۰ ساله، اشباع نظری حاصل شده است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۸	با انجام مراحل کدگذاری باز و محوری، مقوله‌هایی نظیر «فقر و زوال منابع»، «بی‌ثباتی حیات و راهبردهای بی‌ثبات»، «بسترهای ناکارآمد» و «بحران سرمایه انسانی و جابجایی ارزش‌ها» استخراج شدند و در نهایت کدهای به‌صورت زیر تبیین شد: مهاجرت ناشی از فقر ساختاری و تشدید آن از طریق بسترهای ناکارآمد (اقتصادی، نهادی، آموزشی) به افت تحصیلی و زوال سرمایه انسانی در مناطق مرزی منجر می‌شود. این یافته نشان داد اولویت‌دادن به درآمدهای آنی (مانند مهاجرت کاری) به‌دلیل نبود فرصت‌های مولد پایدار، ارزش تحصیل را در میان خانواده‌ها کم‌رنگ کرده است. همچنین، نگرش ابزارگونه و اقتصادی خانواده‌ها به تحصیل که براساس انتظار استخدام و درآمدزایی شکل گرفته اما محقق نشده، سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان شده است.
کلیدواژه‌ها:	افت تحصیلی، روستاهای مرزی
	شهرستان سردشت، فقر ساختاری، مهاجرت.

استناد: سلطانی بهرام، سعید و رحمن‌نژاد، امید (۱۴۰۴). تلاقی فقر، مهاجرت و افت تحصیلی در روستاهای مرزی سردشت. توسعه محلی (روستایی-شهری). ۱۷(۲)،

<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.405303.668959>. ۴۰۳-۳۸۵

© نویسنده(گان) حق نشر را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.405303.668959>

۱. مقدمه و بیان مسئله

مناطق مرزی، به دلیل دوری از مرکز کشور و همجواری و تماس با کشورهای همسایه، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. همجواری مناطق مرزی با کشورهای دیگر فرصت‌هایی را برای فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معیشت ساکنان آن فراهم آورده است (امیرپناهی و همکاران، ۱۳۹۴). علی‌رغم ظرفیت‌های مناطق مرزی، دوری از مرکز پیامدهای نامطلوبی برای این مناطق داشته که مهم‌ترین آن‌ها محرومیت شدید و مهاجرت است (مؤمنی و سلطان‌آبادی، ۱۳۹۷). این مهاجرت بر دستگاه تعلیم و تربیت که به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه جوامع، وظیفه شناسایی و پرورش استعداد‌های نسل آینده را بر عهده دارد، تأثیر مخربی می‌گذارد. نظام آموزش و پرورش در عصر جدید با قبول این وظیفه، با هدف اجتماعی کردن و آماده‌سازی نوجوانان برای پذیرش مسئولیت‌های آتی، نقش حیاتی ایفا می‌کند. با این حال، افت تحصیلی به عنوان یک مشکل مزمن در نظام‌های آموزشی، موجب هدررفت سرمایه‌های مادی و انسانی و کاهش بازدهی این نهاد می‌شود. افت تحصیلی که با کاهش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از سطحی رضایت‌بخش به سطحی نامطلوب تعریف می‌شود، آثار ناگواری بر سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی دانش‌آموزان و در نهایت جامعه دارد. این پدیده در ایران به خصوص در مرزها به طور گسترده‌ای مشاهده می‌شود و به ویژه در مناطق محروم و روستایی، شدت بیشتری دارد. درک عمیق عوامل مؤثر بر افت تحصیلی و ارائه راهکارهای مناسب، امری ضروری برای شکوفایی استعدادها و ارتقای سطح کیفی آموزش است.

یکی از مهم‌ترین افت‌های نظام آموزشی در سراسر جهان و نیز در کشور ما افت تحصیلی است. در این روند، هر سال به صورت‌های گوناگون منابع و استعداد‌های انسانی و اقتصادی بسیار زیادی به هدر می‌رود. افت تحصیلی آثار ناگواری در حیات فردی و خانوادگی افراد به جا می‌گذارد و نابسامانی‌های اجتماعی به وجود می‌آورد. شناخت انواع و ابعاد این افت و راه‌های مقابله با آن، یکی از مهم‌ترین وظایف نظام‌های آموزش و پرورش است (امین‌فر، ۱۳۶۷). براساس پژوهش‌های جدید، سالیانه بیش از ۲۵ درصد دانش‌آموزان جهان به ترک تحصیل می‌پردازند که در ایران میانگین آن حدود ۳۷ درصد است. در روند کاهش جمعیت دانش‌آموزی که در گذشته به ۱۸ میلیون نفر رسیده بود، تعداد کسانی که به تحصیل ادامه دادند ۱۲ میلیون نفر بود که شش میلیون نفر ترک تحصیل کردند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳). بنا بر اعلام وزارت آموزش و پرورش، افت تحصیلی در کشور بسیار نگران‌کننده است. ۵ درصد دانش‌آموزان ایرانی مردود می‌شوند. این رقم در مالزی سالانه یک نفر از ۱۲۵ نفر و در استرالیا یک نفر از ۲۰۰۰ نفر است. همچنین در آخرین گزارش‌های آماری سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ آموزش و پرورش به مرکز پژوهش‌های مجلس تعداد مردودی‌هایی دوره ابتدایی در کشور ۱۲۶،۸۱۴ نفر اعلام شده، در حالی که بیشترین مردودی‌ها شامل دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان کل کشور با ۷/۲۳ درصد است. هرچند در این زمینه مطالعات رسمی انجام نگرفته یا اگر هم موجود باشد قدیمی است، ولی طبق بررسی‌ها، بیشترین آمار ترک تحصیلی عینی در بین دانش‌آموزان سردهشتی در دوره متوسطه اول است؛ دوره‌ای بحرانی که در آن، نوجوانان هیجان‌طلب هستند، به دلیل فقر خانوادگی و نداشتن شغل راه اروپا را پیش می‌گیرند و درس و مدرسه را رها می‌کنند. در سال‌های اخیر با توجه به اجرای نظام ۶-۳-۳ و ارزشیابی توصیفی در دبستان و تغییر قوانین اداره ارزشیابی آموزش و پرورش، امکان مردودی از بین رفته و گزارش‌های افت تحصیلی سال‌ها است در آموزش و پرورش به صورت رسمی ارائه نشده است. ولی نتایج کنکور سراسری به وضوح بیانگر وضعیت آموزشی شرکت‌کنندگان است؛ برای مثال در کنکور سراسری سال ۱۳۹۸، حدود ۱۵۰ هزار داوطلب در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی در جلسه آزمون حضور داشتند. میانگین درصدها در همه دروس زیر ۲۰ درصد بود. در دروس عمومی بالاترین درصد مربوط به درس معارف با ۵/۱۹ درصد بود و در دروس تخصصی، درس شیمی با ۲/۹ درصد بیشترین مقدار را داشت (شجاعی شمیرانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۳-۵۲). در این میان، منطقه مرزی شهرستان سردشت نمونه‌ای گویا از پیوند میان

عوامل ساختاری و اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی است. روستاها و شهرستان مرزی سردشت با ویژگی‌های جغرافیایی خاص، جمعیت روستایی بالا، بافت فرهنگی متنوع و اقتصاد وابسته به مشاغل غیررسمی و مرزنشینی، نمایانگر بخشی از نقاطی است که در آن‌ها، ضعف زیرساخت‌های آموزشی و فقر اقتصادی، دامنه نابرابری آموزشی را تشدید کرده است. در این منطقه، مهاجرت‌های مرزی، چه به صورت فصلی برای کار در آن سوی مرز و چه مهاجرت‌های دائم به شهرها یا کشورهای همجوار، سبب گسست در استمرار آموزش می‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره متوسطه اول، به علت فشار اقتصادی، کمک به معیشت خانواده یا امید به مهاجرت، ناچار به ترک تحصیل می‌شوند. بررسی شهرستان سردشت از این منظر نه صرفاً مطالعه یک نقطه محروم، بلکه تلاشی برای فهم الگوهای عام افت تحصیلی در ایران است. به عبارت دیگر، سردشت را می‌توان نمونه‌ای از مناطق مرزی کشور دانست که در آن سه بعد فقر، مهاجرت و نابرابری آموزشی هم‌زمان عمل می‌کنند. مطالعه علمی این منطقه به محقق کمک می‌کند تا از رهگذر تحلیل میدانی و تجربی، به درکی عمیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از سازوکارهای افت تحصیلی در مناطق مشابهی مانند سیستان و بلوچستان، خوزستان، کرمانشاه و کردستان برسیم؛ بنابراین، جایگاه شهرستان سردشت در این پژوهش نه یک مورد منفرد، بلکه یک «نمونه تحلیلی» برای تبیین الگوی ملی افت تحصیلی در ایران است. مطالعه آن می‌تواند نشان دهد چگونه در مناطق مرزی، ترکیب فقر ساختاری، کمبود امکانات آموزشی، تحرک جمعیتی و ارزش‌گذاری فرهنگی متفاوت به آموزش، موجب بازتولید نابرابری و آسیب‌های آموزشی می‌شود. در نتیجه، پژوهش حاضر بر آن است تا از خلال بررسی دقیق شرایط اجتماعی و آموزشی سردشت، به شناخت بهتر سازوکارهای افت تحصیلی در ایران و ارائه راهکارهایی مبتنی بر شواهد میدانی برای کاهش آن دست یابد. همچنین در این پژوهش با تفسیر معنی ساکنان آن منطقه از مهاجرت، تأثیر آن بر افت تحصیلی دانش‌آموزان بررسی می‌شود، به امید اینکه در آینده مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

بدری (۱۴۰۲) در بررسی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه رسید که براساس نظر معلمان، در درجه اول مسائل خانوادگی و اجتماعی و سپس به ترتیب عدم توانایی و عدم کوشش سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان شده است. از دیدگاه دانش‌آموزان، افت تحصیلی در مرتبه اول به نداشتن کوشش و درجه دوم و سوم به ترتیب مسائل خانوادگی و اجتماعی و نداشتن توانایی نسبت داده‌اند. رستم زاده و همکاران (۱۴۰۲) در بررسی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان مدرسه مصیب کاظمی ارومیه با توجه به بیان مسئله افت تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که بین مدرسه و خانواده و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مستقیم وجود دارد. ذاکری‌زاده (۱۴۰۱) در بررسی رابطه افت تحصیلی و مؤلفه‌های آن با ناگویی‌های هیجانی دانش‌آموزان در زاهدان به این نتیجه رسید که بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و مدرسه، عوامل فردی و خانوادگی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه بر افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد و آن را کاهش یا افزایش می‌دهد. محمدی (۱۴۰۱) در مطالعه شهر مریوان دریافت که افت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به عوامل متعددی نظیر میزان درآمد خانواده، سطح تحصیلات، محیط مدرسه، فضای خانواده، نوع مدرسه، امکانات آموزشی، معلم و رفتار معلم، محل زندگی، همکلاسی، محل مدرسه و عوامل بسیار دیگر بستگی دارد.

حسین‌بر و بلوچ‌زهی (۱۴۰۰) در مطالعه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان نیک‌شهر بلوچستان به این نتیجه رسیدند که هزینه‌های تحصیلی، جنسیت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی آن‌ها دارای رابطه معنادار است و بر افت و پیشرفت تحصیلی آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. عبده‌زاده و عنبری (۱۳۹۹) در بررسی شهرستان بانه، کولبری را یک بر ساخت

اجتماعی دانستند که در شرایطی خاص در مناطق مرزی غرب کشور بر ساخت شده است. زندگی در مناطق جغرافیایی مختلف، نوع اقتصاد حاکم بر منطقه، میزان برخورداری از امکانات رفاهی-معیشتی، تفاوت‌های مذهبی-قومی و بسیاری از عوامل دیگر، فقر، نابرابری و شکاف طبقاتی را بازتولید می‌کند. همچنین به دنبال تمرکزگرایی در سیاست و اقتصاد، تفاوت در مرکز و حاشیه دوچندان می‌شود و بیکاری و تفاوت‌ها افزایش می‌یابد.

هایمن، جامعه‌شناس آمریکایی (۲۰۲۰)، به این اشاره می‌کند که میان نظام ارزشی طبقات کارگر و سایر طبقات تفاوت‌هایی وجود دارد که به قرار زیر است: افراد طبقه کارگر ارزش کمتری برای آموزش و پرورش قائل هستند و معتقدند وسیله پیشرفت نیست. طبقه کارگر در مقایسه با طبقه متوسط عقیده دارند که فرصت کمتری برای پیشرفت دارند و می‌دانند حتی اگر خواستار موفقیت باشند، نمی‌توانند به آن دست یابند. آندرسون (۱۹۸۲) به این نتیجه رسید که عواملی مانند جنسیت، قومیت، تحصیلات والدین، احساس تنیدگی برای پیشرفت و مفهوم، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای پیشرفت و افت تحصیلی دانش‌آموزان هستند. گلاس (۱۴۰۲) یکی از نظریه‌پردازانی است که در زمینه تأثیر اختلاف طبقاتی بر موقعیت تحصیلی در تمام سطوح تحصیل به تحقیق پرداخت و نشان داد شکست تحصیلی در همه محله‌ها وجود دارد، اما فراگیری آن در محلات فقیرنشین بیشتر است. هرچند ممکن است شیوه آموزشی دارای نقایص مشابهی در مناطق مختلف باشد، بدترین تأثیر این شیوه آموزش روی کودکان فقیر و جامعه‌های کم‌درآمد و روستایی است (شفیعی و دوستی، ۱۳۹۹)؛ بنابراین، فقر به‌عنوان یکی از عوامل بنیادی اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افت تحصیلی دارد. در شرایط فقر، کاهش دسترسی به منابع آموزشی، تغذیه مناسب و فرصت‌های فرهنگی موجب افت انگیزه، عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین، جبر محیطی و اشتغال ضعیف کشاورزی، صنعت و گردشگری، در کنار عوامل بازتولید مرزی و احساس تبعیض، مرزنشینان را به کولبری واداشته است (عبدزاده و عنبری، ۱۳۹۹: ۱۸۱).

در مناطق مرزی و روستایی شهرستان سردشت، این مسئله با عواملی مانند فقر فرهنگی، مهاجرت فصلی و دائم، ناامنی شغلی و کمبود امکانات آموزشی پیچیده‌تر می‌شود و بی‌ثباتی تحصیلی، تکرار پایه و ترک تحصیل را در پی دارد. همچنین پایین بودن ارزش اجتماعی تحصیل و اولویت اشتغال زود هنگام بر آموزش، روند افت تحصیلی را تشدید می‌کند. در نتیجه تعامل سه مؤلفه فقر اقتصادی، مهاجرت مرزی و نارسایی ساختار آموزشی، چرخه‌ای از بازتولید نابرابری ایجاد می‌کند که به بازماندگی تحصیلی منجر می‌شود. به این ترتیب افت تحصیلی پدیده‌ای چندبعدی است که از برهم‌کنش عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی ناشی می‌شود و تفسیر آن نیازمند رویکردی جامع و میان‌رشته‌ای است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد هرچند بیشتر پژوهش‌ها به رابطه بین متغیرهای خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی با افت تحصیلی اشاره دارند، اما در بسیاری از آن‌ها تحلیل میان‌سطحی (بررسی تعامل میان عوامل فردی و ساختاری) نادیده گرفته شده است. بیشتر مطالعات از روش‌های توصیفی بهره گرفته‌اند و کمتر به مدل‌های تبیینی یا تحلیل‌های کیفی عمیق پرداخته‌اند. همچنین کمتر پژوهشی دیده می‌شود که هم‌زمان ساختار محیط مورد مطالعه و ساختار آموزشی را در یک چارچوب نظری واحد بررسی کند؛ درحالی‌که نگاه ترکیبی برای تبیین دقیق‌تر افت تحصیلی در مناطق محروم ضروری است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

افت تحصیلی یعنی بازماندن دانش‌آموز از دوران معمول تحصیل به هر شکل و عنوان. بدین ترتیب افت تحصیلی دارای جنبه‌های مختلفی مانند مردودی، تکرار پایه، ترک تحصیل، تأخیر در ورود به نظام آموزشی و کیفیت نازل نتایج تحصیلی است. در دایره‌المعارف تعلیم و تربیت، افت تحصیلی به مجموع سال‌های تحصیلی‌ای است که به‌وسیله تکرارکنندگان پایه و ترک تحصیل‌کنندگان تلف می‌شود. گفته می‌شود از دو جزء تکرار پایه و ترک تحصیل، تکرار پایه زیان‌آورتر است؛ زیرا تکرارکنندگان پایه مدت طولانی‌تری در

مدرسه باقی می‌مانند و این سبب تلف شدن سرمایه می‌شود (شهبازی و حاتمی، ۱۴۰۴). منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش‌آموز از سطح رضایت‌بخش به سطح نامطلوب است. توجه به این تعریف نشان می‌دهد مقایسه و سنجش سطح عملکرد تحصیلی قبلی و فعلی دانش‌آموز بهترین شاخص افت تحصیلی است (بقایی و همکاران، ۱۴۰۳).

مهاجرت به معنای جابه‌جایی افراد از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی بهتر است. افراد معمولاً به دلیل دور شدن از شرایط یا عوامل نامساعد مانند فقر، بیماری، مسائل سیاسی، کمبود غذا، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت مهاجرت می‌کنند. دلیل دوم می‌تواند شرایط و عوامل مساعد جذب‌کننده مقصد مهاجرت مانند امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر، درآمد بیشتر و مسکن بهتر باشد (موحدی و سامیان، ۱۳۹۷). مهاجرت انواع مختلفی دارد که در مناطق مرزی روستایی به شهری به صورت کلی به سه شکل مهاجرت جوانان به خارج از کشور جهت کسب درآمد، مهاجرت خانوادگی به شهرهای همجوار جهت تأمین شغل موقت و مهاجرت خانواده‌های مرفه برای زندگی بهتر است.

کارکردگرایی از رهیافت‌های عمده در جامعه‌شناسی است. در این رهیافت، کارکرد جامعه شباهت زیادی به کارکرد زیستی بدن آدمی دارد. بدین‌ترتیب که هریک از اعضا برای بقای بدن فعالیت می‌کنند و هر عضوی نقش مهمی در کل نظام بدن ایفا می‌کند. همان‌طور که وجود قلب یا مغز برای بقای آدمی ضروری است، وجود آموزش و پرورش نیز برای بقای جامعه ضرورت دارد. در چارچوب سطح کلان جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، این شیوه نظریه‌پردازی به تحلیل اثرات ساختار آموزشی بر کل جامعه می‌پردازد و کارکردهای نظام آموزشی را در چارچوب جامعه تبیین می‌کند (شارع‌پور، ۱۴۰۱: ۲۰).

بر مبنای نظریه تضاد، نظام‌های اجتماعی به دو گروه دارا و ندار یا سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌شوند که دائماً در حال ستیزه و تنش هستند. ثروتمندان از قدرت، ثروت، کالاها، امتیاز و نفوذ و کنترل جامعه برخوردارند و فقرا برای کسب سهمی از ثروت و قدرت جامعه با گروه ثروتمند در حال مبارزه مداوم هستند و این تهدیدی برای ثبات اجتماعی است. طبق این دیدگاه، تعلیم و تربیت به‌ویژه آموزش و پرورش رسمی، وسیله‌ای است در دست قشرها و طبقات خاص جامعه برای تحکیم هنجارها و ارزش‌های مورد نظر و دوام خود در جامعه. دیدگاه تضاد، آموزش و پرورش همگانی را به‌منزله نوعی ابزار جامعه سرمایه‌داری تلقی می‌کند که راهیابی به سطوح عالی آموزش و پرورش را از طریق کارکرد گزینش، تخصیص، اغوا و فریب مردم کنترل می‌کند. کسانی که بر نظام آموزشی تسلط دارند، از طریق آن افراد جامعه را در جهت تحقق مقاصد خود با توجه به فرهنگ طبقه مسلط تربیت می‌کنند که برای طبقات چشم‌گیر جامعه اثرات منفی در افت تحصیلی و نظام آموزشی به دنبال دارد (قلی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۵).

بر اساس نظریه بازتولید، مدرسه به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده که امتیازات و مزایا را فقط شامل حال افرادی می‌سازد که متعلق به خاستگاه‌های بالای جامعه هستند (شارع‌پور، ۱۴۰۳: ۶۸). به اعتقاد نظریه‌پردازان این دیدگاه، با اینکه آموزش و پرورش همگانی، بی‌سواد را عملاً حذف کرده و تعلیم و تربیت دسترسی به یادگیری تجربیاتی را که ذاتاً موجب شکوفایی شخص می‌شوند، فراهم آورده است، اما نظام مدرسه، احساس بی‌قدرتی را که بسیاری از افراد در جای دیگری تجربه می‌کنند، بازتولید می‌کند (دانش و علی‌پور، ۱۳۹۲). بدین‌ترتیب به اعتقاد آن‌ها نظام آموزشی یکی از عناصر اساسی در بازتولید ساختار طبقاتی حاکم در جامعه است و برای قشرهای خاصی موجب افت تحصیلی می‌شود (همان: ۷۳).

مطابق نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، تأثیر خاستگاه اجتماعی خانواده بر موفقیت تحصیلی فرزند ناشی از نوع و میزان منافع فرهنگی‌ای است که والدین برای فرزند خود فراهم می‌کنند (نش، ۱۹۹۰)؛ زیرا کودک با استفاده از این منابع فرهنگی می‌تواند انتظارات

مدرسه را برآورده کند (میلر، ۲۰۱۶)؛ عواملی که موجب می‌شوند دانش‌آموزان در یک موسسه آموزشی احساس راحتی و مأنوس‌بودن داشته باشند که خود حاصل تربیت خانوادگی هستند، نابرابری طبقاتی تحصیلی را خلق یا بازتولید کنند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۳). با مرور نظریه‌های فوق می‌توان بیان کرد که هریک، از زاویه‌ای رابطه فقر و افت تحصیلی را در روستاهای شهرستان سردشت تبیین می‌کنند. براساس کارکردگرایی، آموزش و پرورش جزئی حیاتی از نظام اجتماعی است و ضعف عملکرد آن (ناشی از فقر، کمبود امکانات و معلم ناکافی) موجب اختلال در کل جامعه می‌شود. در نظریه تضاد، فقر سبب می‌شود طبقات پایین سردشت دسترسی برابر به آموزش نداشته باشند و نظام آموزشی در خدمت طبقات برخوردار باقی بماند و در نتیجه افت تحصیلی ابزاری برای تداوم نابرابری است. نظریه بازتولید بر این نکته تأکید دارد که مدارس در مناطق فقیر مانند مرزها، ارزش‌ها و ساختار طبقات مسلط را بازتولید می‌کنند و فرصت شکوفایی را از گروه‌های محروم می‌گیرند. بر مبنای نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، خانواده‌های محروم مرزی سردشت به دلیل کمبود سرمایه فرهنگی (مانند زبان، نگرش‌ها و عادات آموزشی) نمی‌توانند فرزندانشان را برای موفقیت تحصیلی آماده سازند. همچنین مطابق تحلیل لوفور، دولت‌های اقتدارگرا، با پذیرش نئولیبرالیسم، از کارکردهای بازتوزیعی خود فاصله گرفته و روزه‌روز بر نابرابری و فاصله طبقاتی افزوده‌اند. در نتیجه این وضعیت، مناطق حاشیه‌ای، به‌ویژه مرزها، از افراد حمایت دولت و نیز توسعه محروم مانده و گرفتار فقر تاریخی شده‌اند (عنبری و همکاران، ۱۴۰۴).

۴. روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد تفسیری-برساختی (داده‌بنیاد)، به بررسی زمینه‌های افت تحصیلی دانش‌آموزان در روستاهای مرزی سردشت می‌پردازد. با توجه به اینکه پژوهش در جستجوی بازسازی معنای پدیده مهاجرت و افت تحصیلی دانش‌آموزان است، براساس پارادایم تفسیری (روش کیفی) به دنبال شناسایی الگوهای مشترک در درون جامعه مورد مطالعه می‌باشد. یکی از دلایل انتخاب این روش، مطالعه بی‌پرده و واقعی افت تحصیلی در بستر زندگی کنشگران مرزی در روستاهای سردشت است. این روش برخلاف روش کمی به انسان اصالت داده و بسیار کل‌گرا است که در آن، پژوهشگر با مشارکت در محیط به تعامل با افراد مورد مطالعه در محیط طبیعی زندگی و توصیف علمی می‌پردازد و هدفش ثبت و توصیف رویدادها و فرایندها در شرایط واقعی و طبیعی آن‌ها است. محقق در این تحقیق با تأکید بر فرایند استقرا-قیاسی، به دنبال داده‌هایی است که از دل جامعه آماری به‌دست می‌آیند و به‌لحاظ معنایی غنی‌تر و پربارترند و به پژوهشگر بینشی وسیع و روشن‌تری درخصوص موضوع مورد مطالعه می‌دهند. در این مطالعه برای مطالعه افت تحصیلی و تبیین آن و ابعاد تحقیق و معیارهای مورد نظر، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند از مکان‌ها، زمان‌ها و افراد انجام شد. به عبارت دیگر نمونه‌گیری هدفمند (محمدرپور، ۱۳۹۲) انجام گرفت. در این مطالعه با هدف گردآوری اطلاعات لازم از مطلعان محلی (دانش‌آموزان، معلمان و والدین)، در روستاهای مرزی شهرستان سردشت شامل سه روستای قلعه‌رش، بیوران و درمان‌آباد با این مطلعان مصاحبه صورت گرفت. پس از ۲۴ مصاحبه عمیق و ساخت‌نیافته اشباع نظری حاصل شد، مصاحبه‌ها همگی با افراد ۱۵ تا ۴۰ ساله انجام گرفت که به‌نوعی با پدیده مرکزی پژوهش یعنی افت تحصیلی مواجه بودند و می‌توانستند درک و تفسیر عمیق‌تری از افت تحصیلی و زمینه‌های آن ارائه دهند.

جدول ۱- مشخصات عمومی مصاحبه شونده‌گان

ردیف	نام	سن	میزان تحصیلات	وضعیت شغلی
۱	الف. م.	۱۷	در حال تحصیل در متوسطه دوم	دانش آموز
۲	د. س.	۳۱	فوق دیپلم	معلم
۳	ب. م.	۳۸	سیکل	والدین - کشاورز
۴	ر. الف.	۱۵	در حال تحصیل در متوسطه اول	دانش آموز
۵	ح. ج.	۱۶	در حال تحصیل در متوسطه دوم	دانش آموز
۶	ص. ب.	۳۷	دیپلم	والدین - خواروبار فروش
۷	ج. ف.	۴۰	لیسانس	معلم
۸	ش. ر.	۲۹	دیپلم	والدین - کاسب
۹	د. الف.	۲۸	لیسانس	معلم
۱۰	ر. ج.	۱۸	در حال تحصیل در متوسطه دوم	دانش آموز
۱۱	ق. ج.	۳۲	فوق لیسانس	معلم
۱۲	ب. غ.	۳۵	زیر دیپلم	والدین - باغدار
۱۳	ک. س.	۱۷	در حال تحصیل در متوسطه اول	دانش آموز
۱۴	ج. ع.	۲۹	لیسانس	معلم
۱۵	خ. ص.	۴۰	سیکل	والدین - دامدار
۱۶	ر. الف.	۱۹	در حال تحصیل در متوسطه اول	دانش آموز
۱۷	م. ع.	۳۹	دکتر	معلم
۱۸	و. ک.	۳۷	دیپلم	والدین - نانوا
۱۹	ی. ط.	۱۸	در حال تحصیل در متوسطه دوم	دانش آموز
۲۰	ح. ل.	۳۱	فوق دیپلم	معلم
۲۱	ت. ن.	۴۰	دیپلم	والدین - بساط فروش
۲۲	س. ت.	۳۷	لیسانس	معلم
۲۳	ژ. الف.	۳۸	لیسانس	والدین - شورای ده
۲۴	الف. ت.	۱۶	در حال تحصیل در متوسطه اول	دانش آموز

۵. یافته‌های پژوهش

با تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و انجام کدگذاری‌های باز و محوری و انتخابی، یافته‌ها به شرح زیر است.

کدگذاری باز: این مفاهیم اولیه، قطعات اصلی داده هستند که از متن استخراج شدند و نشان‌دهنده دیدگاه‌ها و تجربیات پاسخگویان درمورد تأثیرات عوامل مختلف بر تحصیل و آموزش در مناطق مرزی هستند. براساس اظهارات پاسخگویان، افراد در مناطق مرزی در تله فقر ساختاری گرفتار شده‌اند و فقر و نبود زیرساخت‌های مناسب، آن‌ها را مجبور به اولویت‌دادن به درآمدهای آنی کرده است. این وضعیت، همان‌طور که پاسخگویان تأکید می‌کنند، به مهاجرت اجباری فرزندان و جوانان به مهاجرت به کشورهای اروپایی و کارگری در شهرهای دیگر یا فعالیت‌های مرزی پرخطر (مانند کولبری که توهین به شأن انسانی دانسته شده) منجر شده است. این راهبرد کوتاه‌مدت برای بقا دو نتیجه ویرانگر برای مردم منطقه و کل کشور دارد: اول، خالی‌شدن روستاها از نیروی جوان بومی و محلی؛ و دوم، تضعیف کامل نظام آموزشی؛ زیرا سرمایه‌گذاری بر آموزش به‌دلیل نیاز مبرم به کسب درآمد لحظه‌ای، بی‌ارزش

تلقی می‌شود که نتیجه آن افت تحصیلی شدید و تداوم چرخه محرومیت در نسل‌های آینده است. این موارد به دلیل نواقص ساختاری و نبود امکانات زیربنایی و مولد تشدید شده و اثرات آن را دوچندان کرده است. طبق اظهارات پاسخگویان، این وضعیت حاصل سیاست‌های نادرست دولتی در ایجاد فرصت‌های مولد مرزی (نظیر بازارچه کپله) است که به جای اینکه بومیان و طبقه فرودست از آن سود ببرند، به دلیل بی‌توجهی به بسترهای محلی، سود آن عاید سرمایه‌داران و متمولان غیربومی شده است. مرزنشینان، به‌ویژه کولبران، در وضعیتی خاصی قرار دارند که به‌موجب آن، از دسترسی قانونی به خدمات اساسی منع شده‌اند و از حقوق مسلم خود محروم مانده‌اند.

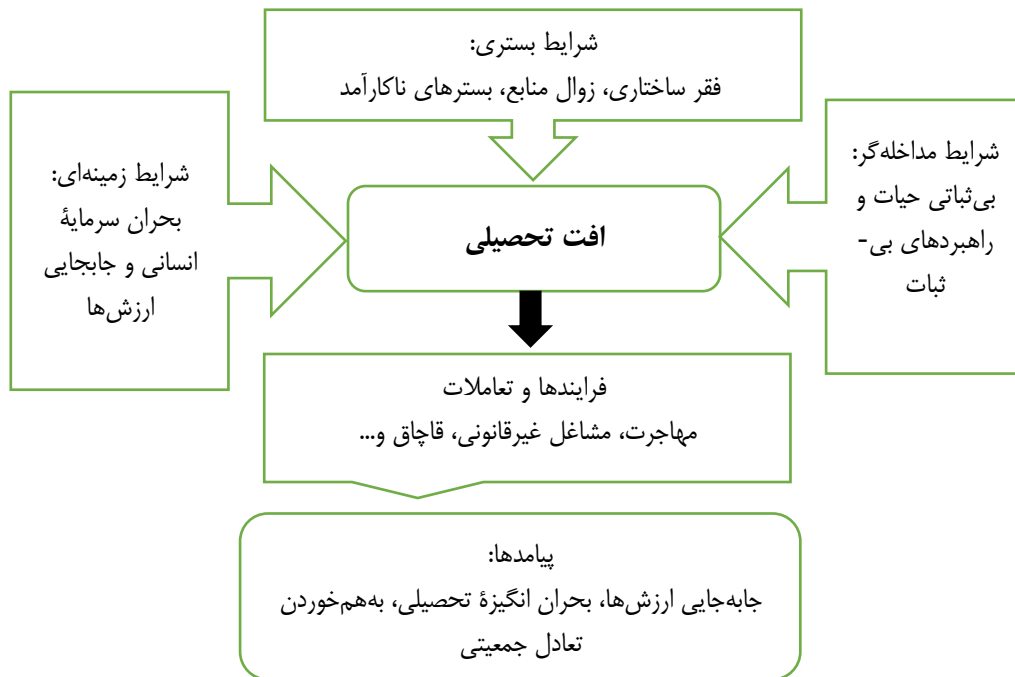
کدگذاری محوری: در نظریه داده‌بنیاد، فرایند رسیدن به کدگذاری محوری از کدگذاری باز، یک چرخه تکرارشونده از تحلیل و مقایسه مداوم داده‌ها است. هدف، یافتن روابط بین مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) و گروه‌بندی آن‌ها حول پدیده‌های اصلی‌تر (مقوله‌های محوری) است. کدگذاری محوری در نظریه داده‌بنیاد، مرحله‌ای است که در آن، مقوله‌های اولیه (ناشی از کدگذاری باز) حول یک محور مرکزی یا پدیده اصلی دسته‌بندی می‌شود تا روابط علی و معلولی، زمینه‌ای و راهبردی بین آن‌ها آشکار شود. این کار با استفاده از مدل محوری (مانند مدل پارادایمی) انجام می‌شود و هدف آن، ساختاردهی به مفاهیم پراکنده و رسیدن به هسته نظری مسئله است. در این مرحله، محقق به دنبال یافتن الگوها و روابط بین این مفاهیم است و می‌پرسد: چه چیزی سبب افت تحصیلی می‌شود؟ پاسخ: محدودیت‌ها، عدم سرمایه‌گذاری، سیاست‌های نادرست؛ در واکنش به این افت تحصیلی، مردم چه می‌کنند؟ پاسخ: تمایل به مشاغل نامشروع و غیرقانونی، مهاجرت؛ این وضعیت چگونه بر جوانان و خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد؟ پاسخ: کاهش انگیزه تحصیلی، تغییر ارزش‌ها، مهاجرت اجباری؛ چه عواملی این فرایند را تشدید یا تسهیل می‌کنند؟ پاسخ: نابرابری، رانت، ساختارهای آموزشی ناکارآمد.

کدگذاری گزینشی/هسته‌ای: در نظریه داده‌بنیاد، کدگذاری هسته‌ای به‌عنوان مفهوم مرکزی و اصلی در نظر گرفته می‌شود که تمام مفاهیم و مقوله‌های دیگر پیرامون آن سازمان‌دهی و تفسیر می‌شود. این کدگذاری به‌صورت جامع و داده‌محور، هسته اصلی یا داستان افت تحصیلی را که در حال مطالعه آن هستیم، روایت می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه عوامل مختلف به هم مرتبط می‌شوند و نتیجه نهایی به‌دست می‌آید.

جدول ۲- تبدیل مفاهیم اولیه به مقوله‌های محوری و مقوله هسته‌ای

مقوله هسته‌ای	مقوله‌های محوری	کدهای اولیه
افت تحصیلی و زوال سرمایه انسانی در مناطق مرزی	فقر ساختاری و زوال منابع	فشار اقتصادی و فقر به‌مثابه نیروی محرکه، محدودیت‌ها و عدم سرمایه‌گذاری زیربنایی، از دست رفتن مشاغل بومی
	بی‌ثباتی حیات و راهبردهای بی-ثبات	مهاجرت اجباری (به دلیل نبود شغل و درآمد)، رواج و عادی‌سازی مشاغل غیرقانونی (نظیر قاچاق و ...)
	بسترهای ناکارآمد	ساختارهای آموزشی ناکارآمد، نابرابری و رانت (عدم سودرسانی به مردم بومی) و موازی کاری و عدم تعامل مناسب نهادهای متولی آموزش
	بحران سرمایه انسانی و جابجایی ارزش‌ها	بحران انگیزه تحصیلی و اولویت پول بر درس، جابه‌جایی ارزش‌ها، نگاه ابزاری به نیروی کار، خالی‌شدن روستا از جوانان

مدل پارادایمی



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش با محوریت افت تحصیلی

با مقایسه مداوم این مفاهیم و روابط بین آنها، مقوله‌بندی مفاهیم حول پدیده افت تحصیلی به شرح زیر است.

دسته اول: شرایط

الف) شرایط بستری

عواملی هستند که ساختار و محیط کلی وقوع پدیده افت تحصیلی را مشخص می‌کنند:

فقر ساختاری و زوال منابع؛ نشان‌دهنده بستر اجتماعی و اقتصادی نابرابر، ساختارهای ناکارآمد و نبود فرصت رشد است که زمینه اصلی شکل‌گیری مشکلات اجتماعی و آموزشی را می‌سازد. بسترهای ناکارآمد؛ فضای نهادی ناکارآمد شامل ضعف نظام آموزشی، اقتصادی و اداری که محیط وقوع فقر و افت تحصیلی را تعیین می‌کند.

فقر ساختاری و زوال منابع: فقر ساختاری به وضعیتی اشاره دارد که در آن، مشکلات اقتصادی و اجتماعی نه ناشی از کم‌کاری یا ضعف فردی، بلکه حاصل ساختارها، سیاست‌ها و نظام‌های کلان جامعه است. این ساختارها شامل سیاست‌های اقتصادی نادرست، عدم سرمایه‌گذاری کافی در مناطق محروم، نبود زیرساخت‌های لازم (مانند آموزش، بهداشت و حمل‌ونقل) و توزیع ناعادلانه منابع است. «زوال منابع» نتیجه مستقیم این فقر ساختاری است؛ به این معنی که فرصت‌های شغلی پایدار، تحصیل باکیفیت، پیشرفت

اجتماعی و اقتصادی در این مناطق به شدت کاهش می‌یابد یا از بین می‌رود. فقر ساختاری و زوال منابع، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بستری را برای افت تحصیلی دانش‌آموزان روستاهای مرزی سردشت فراهم می‌کند:

کاهش انگیزه تحصیلی: زمانی که خانواده‌ها با فقر شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند و فرصت‌های شغلی پایدار و مولد در منطقه وجود ندارد، اولویت اصلی آن‌ها تأمین نیازهای اولیه زندگی می‌شود. در چنین شرایطی، تحصیل به عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت که نتایج آن فوری نیست، در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرد.

جابجایی ارزش‌ها و اولویت‌بندی منافع آنی: در غیاب فرصت‌های شغلی مولد و درآمدزا، مشاغل غیرقانونی و درآمد سریع (مانند قاچاق و ...) ارزش بیشتری پیدا می‌کنند. این امر سبب تغییر نگرش به تحصیل می‌شود و آن را بی‌ارزش جلوه می‌دهد؛ زیرا درآمد حاصل از این مشاغل ناپایدار، اغلب بیشتر و سریع‌تر از نتایج تحصیل است.

مهاجرت اجباری و خالی‌شدن مدارس: زوال فرصت‌ها و فقر ساختاری، بسیاری از خانواده‌ها را مجبور به مهاجرت به شهرها یا مناطق دیگر برای یافتن کار و زندگی بهتر می‌کند. این مهاجرت‌ها موجب خالی‌شدن مدارس در روستاها و کاهش تعداد دانش‌آموزان می‌شود که خود بر کیفیت و پویایی نظام آموزشی تأثیر منفی می‌گذارد. م. ع. می‌گوید: «مهاجرت به علت فقر، مهاجرت به علت عدم امکانات رفاهی، تفریحی، آموزشی و بهداشتی است... بسیاری از جوانان برای کسب درآمد و تأمین معیشت به شهرهای مرکزی یا اروپا مهاجرت کرده‌اند و این آینده‌سازان از منطقه گریخته‌اند».

کمبود سرمایه‌گذاری در آموزش و زیرساخت‌ها: فقر ساختاری معمولاً با کمبود سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اساسی، از جمله آموزش، همراه است. «ساختارهای آموزشی ناکارآمد» که به آن اشاره شده، نتیجه این عدم سرمایه‌گذاری و بی‌توجهی است. این مدارس با امکانات کم، معلمان ناکافی یا ناپایدار و برنامه‌های درسی غیرجذاب نمی‌توانند دانش‌آموزان را ترغیب به ادامه تحصیل کنند. طبق اظهارات پاسخگویان عدم سرمایه‌گذاری دولت برای مردم مرزی در برنامه‌های آموزشی نکته مهمی است. سازوکارهای آموزشی نیز به روز نمی‌شوند که برای بچه‌ها خسته‌کننده است. مقوله محوری «فقر ساختاری و زوال منابع» نشان می‌دهد افت تحصیلی در روستاهای مرزی سردشت، پدیده‌ای چندوجهی است که ریشه در مشکلات عمیق اقتصادی و اجتماعی دارد. این وضعیت با تغییر ارزش‌ها، کاهش انگیزه تحصیلی، مهاجرت اجباری و ناکارآمدی نهادهای آموزشی افت تحصیلی را در منطقه تداوم می‌بخشد.

بسترهای ناکارآمد مؤثر بر افت تحصیلی: براساس اظهارات و تجربیات ساکنان و تحلیل‌های موجود، بسترهای معیوب و

ساختاری که به طور مستقیم موجب افت تحصیلی در روستاهای مرزی سردشت شده‌اند، به شرح زیر است:

نابرابری شدید اقتصادی و رانت منطقه‌ای: منافع اقتصادی حاصل از موقعیت مرزی (مانند مرز کیله) به جای اینکه عادلانه بین تمام ساکنان توزیع شود، به دلیل نیاز به پول کافی عمدتاً نصیب سرمایه‌داران (از داخل و خارج منطقه) می‌شود. همچنین رانت‌خواری مسئولان و دست‌اندرکاران سبب می‌شود بخش عمده‌ای از منافع اقتصادی به جای جامعه محلی، به جیب عده‌ای خاص سرازیر شود. مردم بومی به دلیل دیدگاه سنتی غالباً به اندک درآمد کارگری یا مشاغل کم‌درآمد بومی بسنده کرده‌اند و به دلیل خرابی زیرساخت‌ها (مانند کارخانه‌ها و جاده‌ها) درآمد ناچیزی دارند. مواد خام منطقه به دلیل نداشتن صنایع زیربنایی و مولد به شهرهای بزرگ منتقل می‌شود و به دلیل امنیتی‌بودن منطقه سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی و ایجاد ارزش‌افزوده محلی صورت نمی‌گیرد. مشاهده این نابرابری و ناکامی در دسترسی به منافع از طریق کانال‌های مولد، به ناامیدی و کاهش انگیزه برای تحصیل و تلاش در میان دانش‌آموزان و خانواده‌ها منجر می‌شود. فشار اقتصادی خانواده‌ها را وادار به اولویت‌دادن به مشاغل غیررسمی مرزی بر آموزش بلندمدت می‌کند.

ناکامی نهادهای دولتی در تعامل و حمایت: طبق اظهارات پاسخگویان، دولت برنامه مدون و منظمی برای توسعه مناطق مرزی ندارد و سیاست‌ها بدون توجه به بسترهای محلی و پتانسیل‌های بومی به شیوه مرکزگرا تدوین و اجرا می‌شود. تعامل مسئولان با مردم اغلب احساسی یا با برخورد خشن همراه است که حس بی‌اعتمادی و عدم حمایت را تقویت می‌کند. به گفته ژ. الف: «مسئولان و مقامات بیشتر غیربومی هستند و آشنایی کاملی با شرایط منطقه و احساسات مردم ندارند و این عدم آشنایی هنگام اجرای سیاست‌ها و تعاملات مشکل‌آفرین است و موجب رنجش مردم می‌شود. مطالبات و نیازهای مردم اغلب با شانه خالی کردن مسئولان مواجه می‌شود و رسیدگی مؤثری صورت نمی‌گیرد». ش. ر. می‌گوید: «ما خیلی مطالبات داشتیم، اما متأسفانه هیچ کاری برای ما انجام نشده یا اگر شده جزئی بوده و کفاف نمی‌دهد. این ناکارآمدی‌ها در تعامل و حمایت از مردم، مانع تخصیص منابع برای رفع مشکلات زیرساختی و آموزشی می‌شود و حس نادیده گرفته شدن را در جامعه تشدید می‌کند».

نظام آموزشی ناکارآمد و نامتناسب: سازوکارهای آموزشی به‌روز نشده و برای دانش‌آموزان خسته‌کننده است؛ زیرا با واقعیت‌های زندگی مرزی انطباق ندارد. ق. ج. توضیح می‌دهد: «دولت در بخش آموزش و پرورش مناطق مرزی کار خاصی انجام نداده و سرمایه‌گذاری آموزشی کافی صورت نمی‌گیرد. این ناکارآمدی، کیفیت آموزش را کاهش می‌دهد و مهارت‌های لازم برای بازار کار (چه محلی و چه منطقه‌ای) را فراهم نمی‌کند. در نتیجه این موارد، ارزش تحصیل در نظر خانواده‌ها و دانش‌آموزان کاهش یافته و مستقیم به افت تحصیلی و ترک تحصیل منجر می‌شود. این سه بستر اصلی، به‌صورت هم‌افزا، شرایطی را ایجاد کرده‌اند که در آن، فرصت‌های اقتصادی ناعادلانه توزیع می‌شوند و نهادهای مسئول به‌درستی عمل نمی‌کنند و نظام آموزشی قادر به پاسخگویی به نیازهای مردم نیست. این وضعیت، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، انگیزه و امکان تحصیل را برای دانش‌آموزان روستایی مرزی سردشت محدود ساخته است».

ب) شرایط زمینه‌ای

عواملی هستند که زمینه بروز یا تشدید پدیده افت تحصیلی را در سطح خرد یا میانی فراهم می‌کنند.

بحران سرمایه انسانی و جابجایی ارزش‌ها: این مقوله محوری به پیامدهای عمیق و بلندمدت فقر، زوال منابع و بر

مهم‌ترین دارایی یک جامعه، یعنی سرمایه انسانی و همچنین بر نظام ارزشی حاکم بر آن جامعه می‌پردازد.

بحران سرمایه انسانی: سرمایه انسانی به مجموع دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، سلامت و تجربیات افراد یک جامعه اطلاق می‌شود که قابلیت تولید ارزش اقتصادی و اجتماعی را دارند. بحران سرمایه انسانی زمانی رخ می‌دهد که این دارایی ارزشمند رو به زوال، کاهش یا هدررفتن می‌گذارد. در روستاهای مرزی سردشت و مناطق مشابه، این بحران به صورت‌های زیر نمود پیدا می‌کند: اولویت‌یافتن درآمدهای آنی بر تحصیل سبب کاهش انگیزه، ترک تحصیل و درنهایت افت کیفیت و کمیت دانش و مهارت در میان نسل جوان می‌شود و این امر مستقیم به کاهش سرمایه انسانی کمک می‌کند. در صورت تداوم روند افت تحصیلی و ترک تحصیل، جامعه با افزایش بی‌سوادی و کم‌سوادی مواجه خواهد شد. این افراد توانایی کمتری برای یادگیری مهارت‌های جدید، مشارکت در اقتصاد دانش‌بنیان و انطباق با تغییرات فناورانه دارند. درنهایت افرادی که با وجود تمام محدودیت‌ها موفق به کسب دانش و مهارت می‌شوند، اغلب به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب و جذاب در منطقه خود، مجبور به مهاجرت به مراکز شهری یا خارج از کشور می‌شوند. این پدیده بزرگ‌ترین ضربه به سرمایه انسانی است؛ زیرا بهترین و توانمندترین افراد آنجا را ترک می‌کنند.

جابجایی ارزش‌ها: این بخش از مقوله محوری به تغییرات منفی در نظام اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی یک جامعه اشاره دارد که غالباً در واکنش به فشارهای اقتصادی و اجتماعی رخ می‌دهد. در روستاهای مرزی سردشت، این بحران ارزش‌ها به شکل زیر ظاهر

می‌شود: «تغییر ارزش‌ها» به معنای ارجحیت‌دادن پول و منافع آنی بر ارزش‌هایی مانند تحصیل، کار مولد و توسعه بلندمدت فردی و اجتماعی است. «اولویت پول بر علم» و «نگاه ابزاری به درس» نمونه‌های بارز این تغییر هستند. رواج مشاغل غیرقانونی و شبه‌قانونی در صورت عدم برخورد مناسب می‌تواند به تدریج عادی شود. وقتی کسب درآمد نامشروع به عنوان یک راه حل قابل قبول یا حتی مطلوب تلقی شود، پایه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه سست می‌شود. نظرات پاسخگویان گویای این مسئله است. ج. ع. از معلمان روستای قلعه‌رش بیان می‌کند «دیگه امروزه ارزشی برای درس و تحصیل نمانده دانش‌آموزا ترجیح می‌دن برن دنبال کاسبی و کمک خرج خانواده باشن. پول بر علم چیره شده و با پول می‌تونن همه چی بخرن و داشته باشن حتی مدرک تحصیلی. من این رو به عینه در روستا و بین دانش‌آموزا می‌بینم».

ارتباط متقابل بحران سرمایه انسانی و بحران ارزش‌ها؛ این دو بحران، رابطه‌ای دوسویه و تقویت‌کننده با یکدیگر دارند: فقر و نبود فرصت (شرایط زمینه‌ساز) منجر به جابجایی ارزش‌ها (اولویت پول بر علم) و آن نیز منجر به بحران سرمایه انسانی (افت تحصیلی) و بحران سرمایه انسانی منجر به تشدید فقر و محدودیت‌ها منجر به تشدید بحران ارزش‌ها، مقوله بحران سرمایه انسانی و ارزش‌ها نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی در روستاهای مرزی سردشت به فقر مادی محدود نمی‌شود، بلکه فراتر می‌رود و به تاروپود هویت، باورها و توانایی‌های افراد و جامعه آسیب می‌زند.

پ) شرایط مداخله‌گر

این شرایط متغیرهایی هستند که بر نحوه شکل‌گیری و جهت‌گیری پدیده در طی زمان تأثیر می‌گذارد.

بی‌ثباتی حیات و راهبردهای بی‌ثبات: این مقوله محوری به واکنش‌های فعالانه و راهبردهایی اشاره دارد که افراد و جوامع در مواجهه با فقر، زوال منابع و محدودیت‌های شدید اقتصادی و اجتماعی اتخاذ می‌کنند. این راهبردها غالباً ناپایدار هستند؛ زیرا یا به‌طور موقت مشکلات را حل می‌کنند یا پیامدهای منفی بلندمدت دارند یا به‌جای ایجاد توسعه پایدار، به دنبال منافع آنی و کوتاه‌مدت هستند. این راهبردها پاسخی مستقیم به محدودیت‌های موجود، از جمله نبود شغل، درآمد اندک و عدم حمایت‌های ساختاری است. این راهبردها به اشکال مختلف بروز می‌یابد و ارتباط تنگاتنگی با افت تحصیلی دانش‌آموزان دارد.

رواج و عادی‌سازی مشاغل ناپایدار و غیرقانونی؛ در شرایطی که مشاغل قانونی و پایدار (نظیر کشاورزی یا دامداری سنتی) قادر به تأمین معیشت نیستند، روی آوردن به مشاغل غیرقانونی و مرزی (مانند قاچاق و ...) به یک راهبرد تبدیل می‌شود. این مشاغل هرچند ممکن است درآمد آنی بیشتری داشته باشند، اما ریسک زیاد، ناپایداری و پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی (مانند قاچاق موادمخدر یا کالاهای ممنوع) دارند. این مشاغل به‌ویژه در نگاه نوجوانان و جوانان، جایگزینی برای تحصیل و کسب مهارت‌های بلندمدت محسوب می‌شوند. «بی‌ارزشی تحصیل»، «اولویت پول بر درس» و «رواج مشاغل ناپایدار مرزی (کولبری) و قاچاق به‌عنوان جایگزین تحصیل» در اظهارات پاسخگویان نشان‌دهنده این تغییر نگرش است.

فرار از مدرسه: برخی دانش‌آموزان، به‌ویژه نوجوانان، به دلیل نیاز مالی خانواده یا جذابیت درآمد سریع این مشاغل، ترک تحصیل می‌کنند و وارد این فعالیت‌ها می‌شوند. طبق گفته یکی از مشارکت‌کنندگان «خالی‌شدن مدارس از دانش‌آموزان نوجوان به علت فقر خانوادگی» شاهدی بر این مدعاست. عادی‌سازی این مشاغل، ارزش‌های سنتی و اهمیت تحصیل را کم‌رنگ می‌کند و موجب می‌شود دانش‌آموزان اولویت را به منافع اقتصادی فوری بدهند.

مهاجرت اجباری و تغییرات جمعیتی: در مواجهه با نبود فرصت‌های اقتصادی و معیشتی پایدار در روستا، مهاجرت به شهرها یا حتی خارج شدن جوانان از کشور به یک راهبرد زندگی برای بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده است. این مهاجرت‌ها، چه فصلی و چه دائمی،

با هدف یافتن کار و تأمین درآمد صورت می‌گیرد. دانش‌آموزانی که به‌تنهایی یا همراه خانواده مهاجرت می‌کنند، ممکن است در محیط جدید با چالش‌های زیادی روبه‌رو شوند؛ از جمله عدم پذیرش در مدارس، مشکل در انطباق با محیط جدید، یا نیاز به کار برای کمک به معیشت خانواده که همگی به افت تحصیلی یا ترک تحصیل منجر می‌شود. علاوه بر این مورد، مهاجرت جوانان و نوجوانان، نیروی کار و مولد را از منطقه دور می‌کند و سبب می‌شود ظرفیت‌های انسانی و پتانسیل‌های منطقه برای توسعه، به‌ویژه در بخش آموزش و پرورش، کاهش یابد. در کنار این موارد، غیبت والدین به‌دلیل مهاجرت کارگری می‌تواند نظارت والدین بر تحصیل فرزندان باقی‌مانده در روستا را کاهش دهد و به افت تحصیلی آن‌ها دامن بزند.

استفاده ابزاری از تحصیل و مهارت: در برخی موارد، تحصیل یا کسب مهارت به‌جای آنکه هدفمند و برای رشد فردی باشد، به ابزاری برای دستیابی سریع به درآمد (به‌ویژه از طریق مشاغل مرزی یا مهاجرت) تبدیل می‌شود. این «نگاه ابزاری به نیروی کار» موجب می‌شود عمق یادگیری و کیفیت آموزش قربانی شود. تمرکز بر یادگیری سطحی و کسب مدرک صرفاً برای یافتن شغلی (حتی ناپایدار) به‌جای یادگیری عمیق و کسب دانش واقعی، به افت کیفی در فرایند آموزش و کاهش اثربخشی آن منجر می‌شود. راهبردهای بی‌ثبات حیات مانند روی آوردن به مشاغل غیرقانونی و مهاجرت اجباری، که در واکنش به محدودیت‌ها در روستاهای مرزی سردشت اتخاذ می‌شود، مستقیم با افت تحصیلی دانش‌آموزان گره خورده‌اند. این راهبردها با تغییر ارزش‌ها، کاهش انگیزه تحصیلی، ترک تحصیل و تضعیف نظام آموزشی روستا پیوند پیدا می‌کنند که مانع رشد و توسعه پایدار فردی و جمعی می‌شود.

دسته دوم: فرایند اصلی و تعاملات

در مواجهه با فقر و زوال، چه اتفاقی می‌افتد؟ پاسخگویان به رواج و عادی‌سازی مشاغل غیرقانونی (قاچاق و کولبری) و مهاجرت اجباری (به‌دلیل نبود شغل و درآمد) به‌عنوان راهبردهای زندگی اشاره می‌کنند. این‌ها فرایندهای فعالی هستند که مردم روستایی سردشت برای زنده‌ماندن انجام می‌دهند. این مفاهیم در مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد، در حکم راهبردهای کنش و تعامل هستند که توسط مرزنشینان در مواجهه با شرایط بستری فقر و بسترهای ناکارآمد اتخاذ می‌شوند. مشاغل غیرقانونی نظیر کولبری و همچنین مهاجرت‌های درون‌سرزمینی یا برون‌مرزی، به‌عنوان راهبردهای زندگی بی‌ثبات، مستلزم خروج زود هنگام نیروی کار (شامل دانش‌آموزان) از چرخه رسمی آموزش هستند. این تعاملات، با تضعیف سرمایه انسانی و ایجاد وقفه در فرایند یادگیری، به‌طور مستقیم به پیامد سیستمیک و ساختاری افت تحصیلی در مناطق مرزی منجر می‌شوند.

دسته سوم: پیامدها

نتایج این فقر و راهبردهای جایگزین چیست؟ پاسخگویان به بحران انگیزه تحصیلی (اولویت پول بر درس)، تأثیرات فرهنگی و تغییر ارزش‌ها، نگاه ابزاری به نیروی کار، تغییرات جمعیتی (خالی شدن روستا از جوانان) و ساختارهای آموزشی ناکارآمد (که توان رقابت با درآمدهای آنی را ندارد) اشاره می‌کنند. این سه مفهوم را می‌توان به‌عنوان پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مرتبط با افت تحصیلی، در چارچوب تحلیل جامعه‌شناختی و مدل پارادایمی نظریه داده‌بنیاد، چنین تبیین کرد:

بحران انگیزه تحصیلی: در مناطق مرزی، فقر ساختاری، ضعف فرصت‌های شغلی و گسست بین آموزش و نیازهای واقعی زندگی روزمره موجب کاهش درونی‌سازی ارزش تحصیل می‌شود. دانش‌آموزان با مشاهده بی‌ثمر بودن آموزش در ارتقای منزلت یا معیشت، دچار بی‌انگیزگی تحصیلی می‌شوند که پیش‌زمینه افت تحصیلی و ترک تحصیل است.

جابه‌جایی ارزش‌ها: مرزنشینی در معرض تعاملات فرهنگی و قومی چندگانه قرار دارد. در نتیجه افراد میان ارزش‌های ملی، قومی و اقتصادی خود دچار تضاد و تعارض می‌شوند. این جابه‌جایی ارزش‌ها سبب تضعیف تعلق اجتماعی دانش‌آموز به نهاد رسمی آموزش و پرورش و کاهش همبستگی فرهنگی با اهداف نظام آموزشی می‌شود که خود یکی از سازوکارهای نرم افت تحصیلی است. تغییرات جمعیتی: مهاجرت در نواحی مرزی (به دلایل اقتصادی) پیوستگی اجتماعی و نهادی را مختل می‌کند. کاهش ثبات خانوادگی، جابه‌جایی مدارس و قطع تداوم آموزشی سبب شکل‌گیری بی‌ثباتی تحصیلی و افت عملکرد آموزشی در نسل‌های جوان می‌شود. در مجموع، این سه پیامد جلوه‌های متفاوت از تضعیف سرمایه‌انسانی هستند که مستقیم افت تحصیلی را بازتولید می‌کنند.

افت تحصیلی و زوال سرمایه‌انسانی در روستاهای مرزی سردشت

براساس تحلیل فوق، مهاجرت ناشی از محرومیت اقتصادی به‌عنوان یک شرط مداخله‌گر بر پیامد هسته‌ای افت تحصیلی و درنهایت بر زوال سرمایه‌انسانی تأثیر مستقیم می‌گذارد. این فرایند از منظر نظریه داده‌بنیاد، یک زنجیره علیتی را نشان می‌دهد که در آن، پاسخ فعالانه به شرایط بستری (فقر چندلایه) یعنی ترک منطقه یا مهاجرت، با تضعیف مستمر سرمایه‌انسانی (کاهش انگیزه و جابجایی ارزش‌ها) همراه است. مهاجرت، به‌ویژه مهاجرت والدین یا خود دانش‌آموز، تداوم فرایند یادگیری را قطع می‌کند و منطقه را در معرض شکاف جمعیتی و نوسانات جمعیتی قرار می‌دهد. این وقفه آموزشی کیفیت و عمق یادگیری را کاهش داده و به افت تحصیلی می‌انجامد که به‌نوبه خود، با خالی‌کردن منطقه از جوانان آگاه محلی، به زوال ساختاری سرمایه‌انسانی منطقه و بازتولید بستر ناکارآمد در حوزه مسائل آموزشی دامن می‌زند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف کشف و شناسایی زمینه‌های افت تحصیلی در روستاهای مرزی سردشت بر مبنای نظریه زمینه‌ای و با اتکا به پارادایم تفسیری-ساختارگرا انجام گرفت. علاوه بر این، شناسایی نگرش دانش‌آموزان و خانواده‌ها نسبت به تحصیل و آموزش نیز از اهداف فرعی پژوهش حاضر بوده است. نتایج استخراج شده از محتوای مصاحبه‌های پاسخگویان نشان داد که مقوله‌های «فقر و زوال منابع»، «بی‌ثباتی حیات و راهبردهای بی‌ثبات»، «بسترهای ناکارآمد» و «بحران سرمایه‌انسانی و جابجایی ارزش‌ها» مهمترین زمینه‌های افت تحصیلی در روستاهای مرزی سردشت هستند. بنابراین، مقوله‌های استخراج شده به‌صورت قاطع نشان می‌دهد افت تحصیلی دانش‌آموزان در روستاهای مرزی سردشت، نه یک نارسایی محلی یا پدیده‌ای صرفاً آموزشی، بلکه پیامد قطعی و اجتناب‌ناپذیر یک بحران چندوجهی (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) است و با نتایج تحقیق عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹) همسو است که نشان دادند گسترش فقر در نواحی مرزی غرب کشور نتیجه اقتصاد رانتی و گسترش سرمایه‌داری رانتیر بازار آزاد است. گزاره محوری این است که ساکنان این منطقه در یک تله فقر ساختاری گرفتار آمده‌اند که ریشه در زوال فرصت‌های شغلی مولد بومی و سیاست‌گذاری‌های کلان رانت‌زایی دارد که منافع اقتصادی مرز را به‌جای مردم محلی، نصیب سرمایه‌داران غیربومی می‌کند. بی‌ثباتی طاقت‌فرسای زندگی روزمره به‌مثابه عامل علی، خانواده‌ها را وادار به اتخاذ راهبردهای بی‌ثبات می‌کند. مهم‌ترین این راهبردها سوق‌دادن فرزندان و جوانان به‌سمت مهاجرت اجباری به خارج از کشور، مهاجرت خانواده‌ها به‌صورت فصلی برای کارهای موقت برای کسب درآمدهای آنی و اشتغال در مشاغل پرمخاطره مرزی مانند قاچاق هستند. درنهایت این تحول در معیشت و اقتصاد خانواده‌ها، مستقیم به جابجایی ارزشی منجر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که تحصیل و سرمایه‌گذاری بلندمدت بر آموزش، در مقابل نیاز فوری به نقدینگی، ارزش ذاتی و ابزاری خود را از دست می‌دهد و بی‌ثمر تلقی می‌شود. از این منظر، افت تحصیلی در روستاهای مرزی، درواقع

بازتاب منطقی یک تصمیم اقتصادی عقلانی در مواجهه با شرایط غیرعقلانی مرزی است؛ جایی که کسب یک درآمد آتی، بر آینده‌ای نامعلوم و نامطمئن از طریق تحصیل ارجحیت می‌یابد. به این ترتیب، این مقاله یک مکانیسم علی و معلولی پیچیده را ترسیم می‌کند که در آن، بحران اقتصادی و نابرابری اجتماعی به بحران سرمایه انسانی و افت تحصیلی تبدیل می‌شود و در نهایت، به تداوم بستر ناکارآمد محرومیت نسلی در مناطق مرزی می‌انجامد. نتیجه‌گیری نهایی آن است که درمان این پدیده نیازمند جراحی بنیادین در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی منطقه و نه صرفاً اصلاحات جزئی در نظام مدرسه‌ای است. این یافته همسو با پژوهش بدری (۱۴۰۲) است که نشان دادند عوامل خانوادگی و اقتصادی بر افت تحصیلی تأثیر مستقیم دارد. همچنین هم‌راستا با پژوهش رستم‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) است که بر رابطه مستقیم بین مدرسه، خانواده و عملکرد تحصیلی تأکید کردند که این ارتباط در مطالعات مرزی نیز به صورت غیرمستقیم از طریق تأثیر بحران اقتصادی بر خانواده و در نتیجه بر بی‌انگیزگی تحصیلی مشاهده می‌شود. علاوه بر این با پژوهش ذاکری‌زاده (۱۴۰۱) و (هانون، ۲۰۱۴) مبنی بر رابطه معنی‌دار بین عوامل فردی، خانوادگی و آموزشگاه (مدرسه) با افت تحصیلی، کاملاً با چارچوب کلی مطالعات مرزی همخوانی دارد و با حسین‌بر و بلوچ‌زهی (۱۴۰۰) که معتقدند درآمد خانواده، تحصیلات والدین، مدرسه و عوامل مدرسه‌ای و آموزش، فضای خانواده در پیشرفت و افت تحصیلی تأثیر دارد و با اندرسون (۱۹۸۲)؛ گالیون و همکاران (۲۰۱۲) که معتقد بودند متغیرهای جنسیت، قومیت و تحصیلات پدر زمینه پیشرفت و افت تحصیلی دانش‌آموز را فراهم می‌کند هم‌راستا است. به علاوه با گالسر (۲۰۲۳) هم‌راستا است که نشان داد اختلاف طبقاتی زمینه پیشرفت و افت تحصیلی را فراهم می‌کند. مطالعات مرزی نیز این سه بعد را در نظر می‌گیرند، اما آن‌ها را در بستر فشار اقتصادی و فرهنگی منطقه تحلیل می‌کنند. با توجه به تحلیل علمی و ساختارمند پژوهش، ریشه‌های افت تحصیلی در روستاهای مرزی نه صرفاً آموزشی، بلکه عمیقاً در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی منطقه نهفته است. بر این اساس، راهکارها و پیشنهادها زیر ارائه می‌شود: توجه ویژه به بهبود وضعیت اقتصادی روستائینان مرزی با حمایت از فرصت‌های شغلی محلی و استفاده از منابع روستاهای مرزی (مقابل با ریشه اقتصادی)؛ بازسازی ارزش آموزشی و تقویت انگیزه تحصیلی در بین مرزنشینان مناطق روستایی (مقابل با جابجایی ارزش‌ها)؛ اصلاح و به‌روزرسانی ساختارها و فرایندهای آموزشی (مقابل با عوامل درونی نظام آموزش)؛ ایجاد و گسترش و ارائه خدمات عمومی عادلانه و متناسب در روستاهای مرزی و فراهم کردن بستر برای احیای ظرفیت‌های مناطق روستایی (مقابل با عوامل بیرونی).

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آهویی، مهدی و زاع، شیما (۱۴۰۳). ماندن یا مهاجرت مجدد (مطالعه عوامل مؤثر بر ناپایداری مهاجرت بازگشتی در میان نیروی کار ماهر و متخصص ایرانی). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۱۳(۴). ۵۳۳-۵۴۹. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.376181.1502>
- احمدرش، رشید (۱۳۹۷). دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور. *توسعه محلی (شهری-روستایی)*. ۱۰(۲). ۱۸۳-۲۰۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.71111>
- افضلی، مهناز، دلاور، علی و افشینی، افشین (۱۳۹۳). فراتحلیلی بر پایان نامه‌های انجام شده در حوزه افت تحصیلی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۵(۱۷). ۲۳-۴۳. <https://doi.org/10.22054/jem.2015.322>
- امیرپناهی، محمد، طالب، مهدی و میرزایی، حسین (۱۳۹۴). بازار مرزی و مناطق روستایی: بررسی نقش و جایگاه روستائیان در بازار مرزی شهرستان بانه. *پژوهش‌های روستایی*. ۶(۳). ۵۱۵-۵۴۴. <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.56059>

- امین فر، مرتضی (۱۳۶۷). علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن. *تعلیم و تربیت*، ۴(۱۷۲)، ۳۶-۳۹.
- بدری، امیرحسین (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان. *دومین کنفرانس بین‌المللی و سومین همایش ملی یافته‌های نوین در مدیریت و روانشناسی*. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بقایی، حسین، پاکدوست، نسرين، خضری، زینت، برادری، نوشین (۱۴۰۳). بررسی کیفی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهرستان ارومیه، *فصلنامه سلامت و آموزش در دوران کودکی*، ۵(۱)، ۱۲۱-۱۳۵. <https://doi.org/10.32592/jeche.5.1.121>
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). پیر بردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نی.
- حسین بر، محمدعثمان و بلوچ زهی، اسلم (۱۴۰۰). افت تحصیلی در مناطق پیرامونی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر نیک‌شهر استان سیستان و بلوچستان)، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۳)، ۸۰۵-۸۲۹. <https://doi.org/10.22059/jisr.2021.312463.1143>
- دانش، پروانه و علی‌پور، پروین (۱۳۹۲). مطالعه عوامل مرتبط با احساس انومی فردی در میان دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۲(۲)، ۲۰۳-۲۲۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.78811>
- ذاکری زاده، آریتا (۱۴۰۱). افت تحصیلی و مؤلفه‌های آن با گویه‌های هیجانی. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی*، ۵(۵۱)، ۳۷۳-۳۴۵.
- رستم‌زاده، فرشید، اسدی، صنم، اسدی، سونا (۱۴۰۲). بررسی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان مدرسه مصیب کاظمی شهرستان ارومیه و ارائه راهکارهای عملی برای کاهش آن. *پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنعت*. ۳۱ مرداد، تهران.
- شارع‌پور، محمود (۱۴۰۱). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ پانزدهم.
- شجاعی شمیرانی، رضا، ابراهیم زاده، عیسی، شفیق، نرگس، نوروززاده، رضا (۱۴۰۰). بررسی فراتحلیلی بعضی عوامل خانوادگی، فردی و آموزشی مؤثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *تعلیم و تربیت*، ۳۷(۱)، ۳۳-۵۲.
- شفیعی، صابر و دوستی، انور (۱۳۹۹). بررسی دلایل افت تحصیلی دانش‌آموزان، *مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۲(۱۳)، ۴۲-۵۲.
- شهبازی، محمد، حاتمی، سامان (۱۴۰۴). بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم در شهرستان اسلام آباد غرب، بیست و دومین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان
- عنبری، موسی و احمدی‌فر، رشید و عبده‌زاده، سیروان (۱۴۰۴). تله فضایی فقر و پیامدهای بر ساخت پدیده کولبری در مناطق مرزی. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۷(۲)، ۴۱-۵۷. <https://doi.org/10.22034/scart.2024.139849>
- عنبری، موسی و عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۹). بر ساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۲(۱)، ۱۵۳-۱۸۵. <https://doi.org/10.22059/jrd.2020.305267.668564>
- قلی زاده، آذر (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات محتشم، چاپ دوم.
- گلاس، ویلیام (۱۴۰۲). *مدارس بدون شکست*، ترجمه ساده حمزه و مؤده حمزه تبریزی، تهران: انتشارات رشد. چاپ نهم.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی: صدروش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ دوم
- محمدی، صباح (۱۴۰۱). بررسی دلایل افت تحصیلی دانش‌آموزان شهر مریوان. *دهمین کنفرانس پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی*. دانشگاه تهران.
- موحدی، رضا، و سامیان، مسعود (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر بر مهاجرت روستاییان در شهرستان سردشت. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، ۱۳(۱)، ۱۶۳-۱۷۷.

مومنی، حسن و سلطان آبادی، ملیحه (۱۳۹۷). بازارچه‌های مرزی و امنیت اقتصادی روستاهای پیرامون مطالعه مورد: بازارچه مرزی باجگیران. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۲)، ۱۷۶-۱۹۲.

References

- Afzali, M., Delavar, A. & Afzali, A. (2014). Meta Analysis of Theses about Academic Failure. *Quarterly of Educational Measurement*, 5(17), 23-43. <https://doi:10.22054/jem.2015.322> (In Persian)
- Ahmadrash, R. (2018). Dialectics between Border and Development (Sociological Analysis of the Problems of Sustainable Development in the Western Border Regions of the Country). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 10(2), 183-206. <https://doi:10.22059/jrd.2019.71111> (In Persian)
- Ahouie, M., & Zare, S. (2024). Staying or Re-migrating (A Study of the Factors Affecting the Instability of Return Migration among the Specialists and Professional Iranian Workforce). *Social Studies and Research in Iran*, 13(4), 533-549. <https://doi:10.22059/jisr.2024.376181.1502> (In Persian)
- Aminfar, M. (1988). Causes and factors of academic failure and how to reduce it. *QJOE*; 4 (1 & 2): 36-39. (In Persian)
- Amirpanahi, M. , Taleb, M. and Mirzaee, H. (2015). Boundary market and rural areas: Investigating the role of villagers in the boundary market of BANE. *Journal of Rural Research*, 6(3), 515-544. <https://doi:10.22059/jrur.2015.56059> (In Persian)
- Anbari, M., Ahmadifar, R., & Abdezade, S. (2025). Spatial trap of poverty and outcomes of construction of Cullbari in border areas of Iranian Kurdistan. *Sociology of Culture and Art*, 7(2), 41-57. <https://doi:10.22034/scart.2024.139849.1377> (In Persian)
- Anbari, M. & Abdezadeh, S. (2020). Social construction of Kolbari phenomenon In the Border Areas of Western Iran (Exploring the Critical Life World of Local Activists in Baneh County). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 12(1), 153-185. <https://doi:10.22059/jrd.2020.305267.668564> (In Persian)
- Anderson, C. S. (1982). The search for school climate: A review of the research. *Review of educational research*, 52(3), 368-420.
- Badri, A. H. (2023). Investigating factors affecting students' academic failure, *The second international conference and the third national conference on new findings in management, psychology and accounting*. Tehran. (In Persian)
- Baghaei, H., Pakdoust, N., Khezri, Z., Baradari, N. (2024). Qualitative investigation of the effective factors of the academic draft of primary school students in Urmia city. *Journal of Childhood Health and Education*. 5(1), 121-135. <https://doi:10.32592/jeche.5.1.121> (In Persian)
- Danesh, P. & Alipoor, P. (2013). Study of factors related to the feeling of individual anomie among students (Case study of Tehran University students). *Social Studies and Research in Iran*, 2(2), 203-224. <https://doi:10.22059/jisr.2013.78811> (In Persian)
- Galyon, C. E., Blondin, C. A., Yaw, J. S., Nalls, M. L., & Williams, R. L. (2012). The relationship of academic self-efficacy to class participation and exam performance. *Social Psychology of Education*, 15(2), 233-249.
- Glasser, W., (2023). *Schools Without Failure*, Traslated by Sadeh Hamzeh & Mozhdeh Hamzeh Tabrizi, Tehran, Roshd Publication, Ninth Edition.
- Gholizadeh, A. (2002). *Sociology of Education*, Tehran, Mohtasham Publications, second edition. (In Persian)
- Hannon, B. (2014). Predicting college success: The relative contributions of five social/personality factors, five cognitive/learning factors, and SAT scores. *Journal of education and training studies*, 2(4), 46-58.
- Hyman, H. (2020). *The Value Systems of Different Classes: A Social Psychological Contribution to the Analysis of Stratification*. (Reprint Series in Social Sciences) Paperback, USA, Irvington Pub
- Hosseini, M. O. & Balochzahi, A. (2021). Educational decline in Peripheral Areas (Case study: high school students in Nikshahr, Sistan and Baluchestan province). *Social Studies and Research in Iran*, 10(3), 805-829. <https://doi:10.22059/jisr.2021.312463.1143> (In Persian)
- Jenkins, R. (2006). *Pierre Bourdieu*, Translated by Joafshani, L. & Chavoshiyan, H., Tehran, Ney Publication. (In Persian)

- Miller, D. L. (2016). Gender, Field, and Habitus: How Gendered Dispositions Reproduce Fields of Cultural Production. *Sociological Forum*, 31(2). June.
- Mohammadpour, A. (2013). Anti-Method (Logic and Design in Qualitative Methodology), Tehran, Jeme-e-shenasan Publication. (In Persian)
- Mohammadi, S., (2022). Investigating the reasons for academic failure among students in Marivan. *10th International Conference on Management Research and Humanities in Iran*, Tehran. (In Persian)
- Momeni, H., & soltanabadi, M. (2018). Border Markets and Economic Security of Villages around the Case Study: Bajeriyaran Border Market. *Geography and Human Relationships*, 1(2), 176-192. (In Persian)
- Movahhedi, R., & Samiyan, M. (2018). Identifying Factors Affecting on Rural Immigration to Sardasht City, *journal of Studies of Human Settlements planning (JSHSP)*, 13(1), 163-177. (In Persian)
- Nash, R. (1990). Bourdieu on Education and Social and Cultural Reproduction: *British Journal of Sociology of Education*. 4. 431-447.
- Rostamzadeh, F., Asadi, S., & Asadi, S. (2023). Investigating the causes of academic decline among students of Mosayeb Kazemi School in Urmia City and providing practical solutions to reduce it, *The fifth international conference on management and industry*, Tehran. (In Persian)
- Shafiei, S., & Doosti, A. (2000). Investigating the reasons for students' academic decline, *Journal of Islamic Sciences Research and Studies*, 2(13). 42-52. (In Persian)
- Shahbazi, M., & Hatami, S. (2015). Study of factors affecting academic decline of secondary school students in West Islamabad County, *22nd National Conference on Law, Social and Human Sciences, Psychology and Counseling*, Shirvan. (In Persian)
- Sharepoor, M. (2022). *Sociology of Education*, Tehran, SAMT Publication. (In Persian)
- Shojaa'ee Shemiraani, R., Ebraahimzaadeh, E., Shafiq, N., & Noroozzaadeh, R. (2021). Familial, Personal, and Educational Factors Affecting School Failure among High School Students: A Meta-Analysis. *QJOE*, 37(1) :33-52. (In Persian)
- Zakerizadeh, A., (2022), Academic failure and its components with emotional items. *New advances in psychology*. 5(51), 345-373. (In Persian)